

آشنایی با روسیه از دریچه آداب و رسوم

مؤلفین

ابوذر ابراهیمی ترکمان و مهناز نوروزی

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

ابراهیمی ترکمان، ابوذر، ۱۳۴۷ -

آشنایی با روسیه از دریچه آداب و رسوم /

مؤلفین: ابوذر ابراهیمی ترکمان، مهناز نوروزی.

تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۹۱.

۲۲۴ ص.

۹۷۸-۹۶۴-۴۳۹-۵۷۲-۷

فیبا

کتابنامه.

روسیه شوروی - آداب و رسوم

نوروزی، مهناز، ۱۳۶۰ -

۱۳۹۱ ۲۲۴ الف / DK۳۲۲

۹۴۷

۲۷۵۸۴۹۶

آشنایی با روسیه

از دریچه آداب و رسوم

مؤلفین: ابوذر ابراهیمی ترکمان، مهناز نوروزی

ناشر: موسسه فرهنگی هنری و

انتشارات بین‌المللی الهدی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱ ه. ش.

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۳۹ - ۵۷۲ - ۷

نشانی: تهران - خیابان شهید لویسانی (فرمانیه)

پلاک ۱۶۴

صندوق پستی: ۴۳۶۳ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۲۲۲۰۶۷۱۴ - ۲۲۲۱۱۲۱۱ - ۲۱

نمابر: ۲۲۲۰۶۷۱۳

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



موسسه فرهنگی هنری و انتشارات بین‌المللی الهدی

Alhoda International, Cultural, Artistic
& Publishing Institution

مؤسسة الهدی الثقافية والفنية للنشر الدولي

Tehran - P.O.Box 14155_4363

www.alhodapublication.ir

info@alhodapublication.ir

Tel: +98 21 22211211 - 22206714



مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی

International Cultural Studies Center

Department of Research & Education Islamic

Culture & Relations Organization

Tel: +98 21 88253308

Email: C.C.I.S @ icro.ir

فهرست

۷	پیشگفتار
۹	روسیه در یک نگاه
۱۹	آیین‌ها و رسوم مسیحیان ارتدوکس
۵۹	آیین‌ها و مراسم مذهبی مسلمانان روسیه
۷۱	آیین‌ها و سنت‌های ملی روسیه
۸۹	جشن‌ها و مراسم سنتی و خانوادگی
۱۰۷	آیین عزاداری و خاکسپاری
۱۱۵	آداب زندگی اجتماعی
۱۵۷	خرافات و باورهای مردمی در روسیه
۱۷۱	غذاهای مرسوم در روسیه
۱۷۹	پوشش مرسوم در روسیه
۱۸۹	کتاب و کتابخوانی در روسیه
۱۹۵	آموزش و پرورش در روسیه
۲۰۵	تئاتر در روسیه
۲۱۵	موسیقی در روسیه
۲۲۱	منابع و مآخذ

پیشگفتار

آشنایی با آداب و رسوم هر قوم و ملتی می‌تواند دریچه‌ای به شناخت فرهنگ آن قوم به روی علاقه‌مندان بگشاید. به یقین بدون شناخت فرهنگ و آداب و رسوم هر سرزمینی نمی‌توان تعاملات فرهنگی و سیاسی درسی را با آن ملت برقرار کرد. فدراسیون روسیه با دربرداشتن اقوام و فرهنگ‌های مختلف به طور طبیعی از آداب و رسوم متنوعی نیز برخوردار است. از همین رو در کتابی که پیش روی شما است، از دریچه‌های مختلف و زوایای متفاوت فرهنگ و آداب و رسوم روسیه سخن به میان آمده است.

رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا.ایران در فدراسیون روسیه به منظور نزدیک سازی باورهای مردم ایران با واقعیت‌های فرهنگی مردم روسیه، نسبت به انتشار این مجموعه اقدام کرد تا بتواند گامی هرچند ناچیز در مسیر آشنایی دو ملت با یکدیگر پیروده باشد. پیش‌تر درباره فرهنگ مردم کشورمان پنج دوره کتاب در موضوعات فرهنگی با نام ایرانیکا و به زبان روسی منتشر شده است که مورد توجه مردم روسیه قرار گرفت. اکنون رایزنی فرهنگی با انتشار این اثر که در نوع خود اولین اثر فارسی به شمار می‌آید، می‌کوشد تا مردم کشورمان را با فرهنگ و آداب و رسوم مردم روسیه آشنا تر کند.

این کتاب که شامل قسمت‌های مختلف آیین‌ها و رسوم مسیحیان ارتدوکس، آیین‌ها و مراسم مذهبی مسلمانان روسیه، آیین‌ها و سنت‌های ملی روسیه، جشن‌ها و مراسم سنتی خانوادگی و در آخر آداب زندگی اجتماعی در نزد مردمان روس است می‌کوشد تا علاقه‌مندان به فرهنگ و آداب این سرزمین کهن را با نحوه‌ی زندگی و افکار و عقاید آنان آشنا سازد. در هر یک از این مباحث سعی شده است تا این آیین‌ها و سنت‌های مرسوم با نگرشی به زندگی مردمان روس در روزگاران گذشته و حتی در روسیه باستان آورده شود. در تدوین کتاب حاضر از متون مختلف به زبان روسی و دائرةالمعارف‌ها و کتاب‌ها و مقالات ارزنده‌ای در این زمینه استفاده شده است. ایرانشناسی در میان روس‌ها از

پیشینه‌ای بیش از دویست سال برخوردار است و متأسفانه هنوز در ایران، روسیه‌شناسی از استحکامی برخوردار نیست. آشنایی با روسیه و فرهنگ و آداب و رسوم این ملت، ایرانیان روسیه‌شناس را با فرهنگ و رسوم این ملت آشنا خواهد کرد.

در آماده سازی این کتاب، سرکار خانم دکتر مهناز نوروزی، زحمت اصلی را بر عهده داشته‌اند که از ایشان صمیمانه سپاسگزارم و از خوانندگان عزیز که کاستی‌های این اثر را در جهت اصلاح در آینده به پدیدآورندگان تذکر خواهند داد پیشاپیش متشکرم.

ابوذر ابراهیمی ترکمان

رایزن فرهنگی سفارت ج.ا.ایران در فدراسیون روسیه

www.ketab.ir

روسیه در یک نگاه

فدراسیون روسیه پهناورترین کشور جهان به مساحت ۱۷/۰۷۵/۴۰۰ کیلومتر مربع در نیمکره‌ی شمالی، در مجاورت قطب شمال و اقیانوس آرام و منجمد شمالی و دریاهایی مانند سفید، لاپتف، کارا، برینگ، اُخسک، سیاه و ژاپن واقع شده است. کوه‌های آن عمدتاً در جنوب واقع است مانند قفقاز، قفقاز کوچک و اورال در غرب، دارای فلات‌های پهناوری مانند سیری و جنگل‌های بسیار حاصلخیز و وسیع در اطراف رودهای خود مانند ولگا، دنیپر، اوب، اورال، دن و غیره است. به دلیل گستردگی در عرض جغرافیایی دارای آب و هوایی گوناگون است که از ناحیه‌ی سرد شمالی تا گرم جنوبی کشیده شده است. بلندترین نقطه‌ی آن البروس به ارتفاع ۵۶۴۲ متر است. نژاد مردمان آن سفید از تیره‌های روسی ۸۷ درصد، تاتار ۲/۲ درصد و اوکراینی‌ها ۱/۵ درصد و غیره است. پایتخت روسیه شهر مسکو با ۱۲ میلیون نفر جمعیت و واحد پول آن روبل (Rbl) برابر با ۱۰۰ کوپک است. سرزمین پهناور روسیه در حدود ۱۵۰ میلیون نفر^۱ جمعیت دارد و در حال حاضر نیز نرخ رشد جمعیت در این کشور منفی است، به گونه‌ای که برآوردهای رسمی حاکی از آن است که تا سال ۲۰۳۰ جمعیت فعلی به ۱۳۰ میلیون نفر کاهش خواهد یافت. بیشتر جمعیت روسیه در غرب این کشور یعنی بخش اروپایی آن زندگی می‌کنند. حدود ۸۰ درصد (۱۱۵ میلیون نفر) از مردم روسیه از نژاد روس هستند و سایر نژادهای این کشور عبارتند از: تاتار، اوکراینی، چوواش، چچنی، ارمنی، ترک، داغستانی، مغول، آواری، اینگوش، چرکس، بالکار، اوستیایی، آذری، گرجی و غیره. با آن که زبان رسمی روسیه، زبان روسی است، ولی ۲۷ زبان رسمی دیگر نیز در جمهوری‌ها و مناطق خودگردان این کشور وجود دارد.

شهرهای مهم روسیه عبارتند از: سن پترزبورگ، نووسیبیرسک، نیژنی نوگوراد، یکاترینبورگ و نوع حکومت آن هم جمهوری فدرال چندحزبی با دو مجلس قانون گذاری است. کشورهای مستقل بعد از فروپاشی شوروی نیز شامل: آذربایجان (باکو)، ارمنستان (ایروان)، ازبکستان (تاشکند)، استونی (تالین)، اوکراین (کیف)، روسیه سفید یا بلاروس (مینسک)، تاجیکستان (دوشنبه)، ترکمنستان (عشق آباد)، قرقیزستان (بیشکک)، قزاقستان (آستانه)، گرجستان (تفلیس)، لاتوی (ریگا)، لیتوانی (ویلنیوس)، مولداوی (کیشیف) و فدراتیو روسیه (مسکو) هستند. روسیه با تولید ناخالص داخلی ۱۲۸۹ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۷م، هفتمین اقتصاد بزرگ جهان بوده است. اقتصاد این کشور بر پایه‌ی سرمایه‌داری و خصوصی سازی است، که این موضوع پس از فروپاشی و رهایی از اقتصاد دولتی و سوسیالیستی انجام شد.

از زمان های بسیار دور به ویژه منطقه‌ی سیبری روسیه مسکونی بوده و اقوام و ملیت های مختلف با آداب و رسوم و فرهنگ های متفاوت در طی اعصار و قرون مختلف تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده اند. در سال های قبل از میلاد مسیح روسیه میدان تاخت و تاز اقوام متعددی مانند اسلاوها، گوته ها، هونها، آوارها و قوم یهودی خزرها قرار گرفت و هر کدام دولت هایی در این سرزمین تشکیل دادند. در قرن سیزدهم میلادی تاتارها بخش وسیعی از این کشور را در تهاجمات خود ویران کردند و در همین زمان سوئدی ها وارد این سرزمین شدند. سرزمین روسیه در قرن شانزدهم استقلال یافت و در مسیر توسعه قرار گرفت: از سال ۱۶۱۲ تا ۱۹۱۷م خاندان رومانوف، تزار روس، بر روسیه حاکمیت داشتند. در سال ۱۶۹۸م پتر اول امپراطور روس شد، و شهر نیا و تاریخی سن پترزبورگ را بنیان نهاد و آنجا را پایتخت خود قرار داد. بدین ترتیب روسیه با توسعه‌ی روزافزون خود در قرن هجدهم میلادی، دومین قدرت جهان پس از انگلستان شد. در سال ۱۸۱۳م به دنبال جنگ روسیه با ایران در دوره‌ی قاجاریه میان دو کشور پیمان ترک مخاصمه جنگ عهدنامه‌ی گلستان منعقد شد و بیشتر نواحی قفقاز به روسیه واگذار شد. در سال ۱۸۲۸م نیز به دنبال پایان دومین دوره‌ی جنگ های ایران و روس و انعقاد عهدنامه‌ی ترکمانچای بخش وسیعی از ارمنستان ایران و تالش شمالی نیز ضمیمه‌ی خاک روسیه شد.

در سال ۱۸۶۷م روسیه آلاسکا را به مبلغ ۷/۲ میلیون دلار به آمریکا فروخت و در سال ۱۹۰۵م روسیه از ژاپن شکست خورد که موجب شورش های داخلی علیه تزار شد که به انقلاب ۱۹۰۵م روس انجامید. در سال ۱۹۱۷م روس ها علیه حکومت نیکولای دوم، تزار روس، قیام نمودند و در شرایط جنگ جهانی اول که دولت روسیه ضعیف شده بود، اعتصابات و اقدامات انقلابی به دست بلشویک ها به رهبری شخصی به نام ولادیمیر ایلیچ اولیانف معروف به لنین به سرنگونی دولت تزار انجامید. آنها در اکتبر سال ۱۹۱۷م رسماً قدرت را به دست گرفتند و حکومت دیکتاتوری پروئتاریا یا کارگری را اعلام کردند و این

کشور از آن پس شوروی نامیده شد که نخستین کشور کمونیستی با بنیان‌های ایدئولوژیکی مارکسیسم و لنینیسم در جهان بوده است. در سال ۱۹۲۴م پس از مرگ لنین، استالین^۱ به قدرت رسید. در دوران او در سال ۱۹۴۱م آلمان نازی به این کشور حمله کرد. روس‌ها پس از ۴ سال جنگ، ۲۰ میلیون کشته و پس از ویران شدن بیش از ۵ هزار شهر، آلمان‌ها را از کشور بیرون راندند. با پایان کار آلمان و جنگ جهانی دوم، نفوذ شوروی در کشورهای اروپای شرقی آغاز گشت. توسعه و نفوذ دولت شوراهای در اروپا و آسیا و به طور کلی در جهان به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی موجب افزایش تسلیحات در جهان سرمایه‌داری و سابقه‌ی تسلیحاتی بین دو اردوگاه سوسیالیسم به رهبری اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی یا اردوگاه کار و سرمایه‌داری یا امپریالیستی به سردمداری ایالات متحده آمریکا شد.

پس از مرگ استالین در سال ۱۹۵۳م مالنکوف، بولگانین و بالاخره خروشچف^۲ روی کار آمدند. و در سال ۱۹۶۴م لئونید برژنف^۳ پس از برکناری خروشچف، روی کار آمد تا سال ۱۹۸۲م که درگذشت. سال‌های جنگ سرد، سال‌های رقابت دو کشور آمریکا و شوروی بر سر تولید سلاح‌های هسته‌ای و گسترار جمعی بود. پس از برژنف، یوری آندروپوف^۴ به حکومت

۱. ولادیمیر ایلیچ لنین (۱۸۷۰-۱۹۲۴) که نام خانوادگی واقعی او اولیانف است یکی از انقلابیون فعال سیاسی و رئیس دولت شوروی و رهبر انقلاب بلشویکی بود. او پس از پیروزی استالین نتوانست این شوک عظیم را تاب بیاورد و در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ درگذشت. جسد او را مومیایی کرده و به مقرهای در میدان سرخ انتقال دادند و هنوز هم از آن نگهداری می‌کنند و طبق تشریفات خاصی در معرض دید عموم قرار دارد.

۲. ژوزف استالین (۱۸۷۸-۱۹۵۳) که نام اصلی او یوسف ویسارینوویچ جوگاشویلی بود در گرجستان به دنیا آمد و رهبر و سیاستمدار کمونیست شوروی به خصوص در زمان جنگ جهانی دوم بود. در ۱۹۲۳ به مقام دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی رسید. پس از مرگ ولادیمیر لنین، استالین موفق شد در مبارزه‌ی قدرت در دهه ۲۰، بر لئون تروتسکی پیروز شود و رهبری حزب را در دست گیرد. در دهه‌ی ۱۹۳۰ استالین تصفیه‌ی کبر را آغاز کرد که به کمپینی از سرکوب سیاسی، دستگیری و قتل مخالفان معروف است که در ۱۹۳۷ به اوج رسید. استالین مدعی بود که سیاست‌هایش بر مارکسیسم-لنینیسم بنا شده‌اند اما اکنون نظام اقتصادی و سیاسی او را بیشتر استالینیسم می‌خوانند.

۳. نیکیتا سرگئی‌ویچ خروشچف (۱۸۹۴-۱۹۷۱) رهبر شوروی بعد از استالین، و صدر حزب کمونیست شوروی از ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۴ و در عین حال از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ نخست وزیر شوروی بود. او پس از رسیدن به رهبری حزب کمونیست در کنگره‌ی این حزب سخنرانی کرد و جنایات دوران استالین را محکوم کرد. پس از مرگ خروشچف جنازه‌ی وی تحت مراقبت شدیدی دفن شد و حتی خانواده‌اش اجازه شرکت در مراسم را پیدا نکردند.

۴. لئونید ایلیچ برژنف (۱۹۰۶-۱۹۸۲) سیاستمدار و رهبر شوروی از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۸۲ بود. او دبیر اول و بعدها دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و سپس ریاست شورای عالی اتحاد شوروی را بر عهده گرفت. سال‌های پایانی رهبری برژنف در رسانه‌های جمعی «رکود» نامیده شد. بحران همگانی در دولت شوروی، گرایش‌های منفی در اقتصاد، توسعه بیش از حد دستگاه دیوانسالاری از ویژگی‌های این دوره است. برژنف در دوره‌ی ریاست جمهوری نیکسون با کشور آمریکا همکاری فضایی برقرار ساخت که نتیجه‌ی آن پروژه آزمایشی آپولو-سایوز بود. در سال ۱۹۸۱ لهستان خود را از شوروی جدا کرد ولی همچنان به همکاری نظامی با این کشور ادامه داد. برژنف در سال ۱۹۸۲، پس از چند ماه بیماری سرانجام درگذشت. پس از او یوری آندروپوف به جای او نشست.

۵. یوری ولادیمیروویچ آندروپوف (۱۹۱۴-۱۹۸۴) سیاستمدار اتحاد شوروی و دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی از ۱۲ نوامبر ۱۹۸۲ تا روز مرگ‌اش بود. او بعد از خروشچف روی کار آمد و در مجموع حدود ۱۶ ماه این سمت را

رسید و دیری نپایید که میخائیل گورباچف^۱ به دبیر کلی حزب رسید، زیرا همه‌ی روسای جمهور این کشور تا این تاریخ از میان دبیر کل‌های حزب کمونیست انتخاب می‌شدند. گورباچف بنا به ضرورت تاریخی جامعه‌ی تک‌حزبی شوروی، اصلاحات خود را تحت عناوین گِلانوسست^۲ و پروستریکا^۳ یعنی اصلاحات اقتصادی - سیاسی و اجتماعی تئوریزه کرد و این آغاز ریزش جامعه و حکومت شوراهای بود که به زودی با کودتای بوریس یلتسین^۴، به عنوان یکی از عوامل نفوذی سازمان اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا (سیا) سالیان سال قدرت را در دست گرفته و فروپاشی شوروی را شتابی جدی‌تر بخشید که حاصل آن جدا شدن همه‌ی جمهوری‌هایی بود که به صورت اتحاد جمهوری‌های هم مسلک به صورت اقماری گرد آمده بودند و یکی پس از دیگری اعلام استقلال کرده و سرانجام در یک پروسه‌ی پرشتاب و تنش همراه با جنگ‌های داخلی، تنها روسیه از آن سرزمین وسیع باقی ماند. امروز همه‌ی کشورهای به استقلال رسیده و همسو، سمت‌گیری خود را به سوی بازار و درهای باز آغاز کرده و مالکیت خصوصی و بخش خصوصی در حال رشد است و حاکمیت ایدئولوگ منسوخ شد. با آن که شوروی در سال ۱۹۹۱م فروپاشید و پانزده کشور از جدایی مدار مرکزی آن پدید آمد ولی از تاثیرگذاری این بر معادلات جهانی به ویژه در آسیای مرکزی و قفقاز کاسته نشد و هنوز نقش برادر بزرگتر را در مناطقی از جهان برای خود حفظ کرده است و در تعاملات‌اش با کشورهای اسلامی، می‌کوشد تا روابط خوبی که پایه‌گذاری کرده را، حفظ کند. کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز هنوز به دلیل برخورداری از فرهنگ مشترک

به عهده داشت و این مدت در واقع او رهبر شوروی بود. وی پس از کشتن نین چرننکو، کوتاه‌ترین مدت رهبری این کشور را به عهده داشت.

۱. میخائیل سرگئیوویچ گورباچف در تاریخ ۱۹۳۱ به دنیا آمد و از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۱ آخرین رهبر اتحاد شوروی بود. تلاش‌ها و اصلاحات او باعث پایان جنگ سرد شد اما هم‌زمان یگانگی سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی را نیز پایان داد و نهایتاً باعث فروپاشی شوروی شد. گورباچف در سال ۱۹۹۰ جایزه‌ی صلح نوبل را دریافت کرده است.

۲. اصطلاحی روسی است که به یکی از سیاست‌های میخائیل گورباچف در ۱۹۸۵ و پس از به بحری رسیدن او در اتحاد شوروی اشاره دارد. این کلمه را در فارسی «فضای باز» ترجمه کرده‌اند.

۳. اصطلاحی روسی است که به یک سری از اصلاحات اقتصادی که در ژوئن ۱۹۸۷ توسط رهبر وقت شوروی، میخائیل گورباچف، معرفی شد اطلاق می‌شود. این واژه در لغت به معنای «بازسازی» است و منظور از آن اصلاحاتی اقتصادی برای بازسازی اقتصاد شوروی بود.

۴. بوریس نیکلایوویچ یلتسین (۱۹۳۱-۲۰۰۷) نخستین رئیس جمهور منتخب روسیه به شیوه‌ی دموکراتیک بود. او در سال ۱۹۹۱، اندکی پیش از فروپاشی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به ریاست جمهوری روسیه انتخاب شد. یلتسین در فروپاشی شوروی نقش موثری داشت. یلتسین در سال ۱۹۹۶ برای دومین بار به ریاست جمهوری فدراتیو روسیه انتخاب شد و تا سال ۱۹۹۹ در این مقام باقی ماند. او در تاریخ ۳۱ دسامبر سال ۱۹۹۹م از قدرت کناره‌گیری کرد و اداره‌ی امور کشور را به ولادیمیر پوتین سپرد. پوتین در آن زمان رئیس اداره اطلاعات و امنیت روسیه (کا گ ب) بود. سرانجام در تاریخ دوشنبه ۲۳ آوریل ۲۰۰۷م، کاخ کرملین، خبر در گذشت آقای یلتسین بر اثر بیماری قلبی را به رسانه‌های روسیه داد.

پایه‌ریزی شده در زمان اتحاد جماهیر شوروی، تاثیرپذیری زیادی از فرهنگ و آموزه‌های فرهنگی روسیه دارند.

فرهنگ مردم روسیه بر پایه‌ی فرهنگ شرقی پیریزی شده است و در سال‌های اخیر، بر اثر آمیختگی نه چندان مطلوب با فرهنگ غربی، به فرهنگی با زیرساخت شرقی و رویه‌ی غربی تبدیل شده است. اما لجام گسیختگی فرهنگ غرب هنوز نتوانسته است بر فرهنگ روس‌ها غلبه کند و زیرساخت شرقی بودن فرهنگ روسیه این توان را داشته است که تاکنون در برابر هجوم فرهنگ غرب ایستادگی کند، ولی در عین حال این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که به موازات حرکت چرخه‌های اقتصادی روسیه به سمت رژیم اقتصادی سرمایه‌داری، تاثیرپذیری فرهنگی از غرب نیز به وقوع خواهد پیوست. ضرب‌المثلی در میان روس‌ها وجود دارد با این مضمون که: «روس‌ها اسب را خیلی دیر آماده می‌کنند، اما وقتی سوار شدند خیلی سریع می‌تازند» و این واقعیتی است که با تاختن اسب‌های زین شده‌ی اقتصادی به سمت غرب، فرهنگ نیز از این مقوله پیروی خواهد کرد؛ البته سیاست‌های فرهنگی روسیه در سال‌های پس از فروپاشی سازوکارهای خاص خود را آنچنان بر پیکره‌ی فرهنگی این کشور گسترده بود که برون رفت از آن همه ساختارسازی و پیریزی ساختارهای جدید، آن هم با تنگناهای اقتصادی سال‌های آغازین پس از فروپاشی، دشوار به نظر می‌رسید ولی سیاست‌های اقتصادی ولادیمیر پوتین این دوران انتقال را به سرعت سپری کرد و اکنون متصدیان امور فرهنگی با بازیابی مجدد خود، توانسته‌اند راه‌های انتقال فرهنگی به دوران متناسب پس از فروپاشی را به سرعت طی کنند.

در سیاست‌های جدید فرهنگی که در سال ۲۰۰۸م به طور رسمی منتشر شد، تصدیگری دولت به حداقل‌ها کاهش یافته و توان بخش خصوصی و نهادهای مردمی به عنوان عنصر اصلی لحاظ شده است و جالب این‌که مذهب نیز در موضوعات فرهنگی مورد توجه دولت فدراسیون روسیه قرار گرفته است، امری که در دوران پیش از فروپاشی مرکز به آن توجه نمی‌شد. ابزارهای فرهنگی در سیاست‌های جدید فرهنگی روسیه متنوع است، به گونه‌ای که آموزش و پرورش، ارشاد، تربیت، دانش فلسفی، اجتماعی و انسانی، مذهب، هنر تجسمی، نشر کتاب، کارهای مربوط به کتابخانه و موزه، ایدئولوژی و تبلیغات، موازین و اصول سیاسی و حقوقی، کلیشه‌های قومی، اجتماعی و مذهبی مردم، آداب و رسوم، افسانه‌ها، اخلاقیات و اولویات‌های زیباشناسی و اعتبار اجتماعی مورد توجه قرار گرفته‌اند. همچنین توجه ویژه به معنویات نیز در این منشور مورد عنایت بوده است و به تنوع قومی، پیشرفت تحقیقات بنیادی علمی در رشته‌ی فرهنگ‌شناسی، تطابق هنری، تجربه تاریخی اجتماعی و میراث فرهنگی ملی با هدف مدرنیزاسیون اجتماعی - فرهنگی روسیه، مدل‌سازی الگوهای فرهنگی نیز توجه ویژه‌ای شده است. این نوع دغدغه درباره‌ی فرهنگ در فدراسیون

روسیه از سوی دولت، نشان از آن دارد که حفظ هویت فرهنگی شرقی و پیشگیری از استحاله‌ی فرهنگی مورد توجه سیاست‌گذاران فرهنگی کنونی روسیه است.

در بخش اصول سیاست‌های جدید فرهنگی روسیه که در سال ۲۰۰۸ م منتشر شده است به موارد زیر توجه جدی شده است: الف) فرهنگ روسیه باید منعکس‌کننده‌ی ارزش‌های معنوی، جنبه‌ها و شاخص‌های اخلاقی آن باشد ب) فرهنگ روسیه باید بخش مهم سیاست اجتماعی باشد که در جوامع امروز فقط به صورت مجموعه‌ی کامل اجتماعی - فرهنگی - آموزشی ممکن می‌شود؛ ج) روسیه باید سیاست فرهنگی خود را با توجه و اولویت دادن به ارزش‌های معنوی و شاخص‌های اجتماعی و سبک زندگی افراد جامعه ایجاد کند. توجه جدی به معنویت و اخلاق در سیاست‌های فرهنگی روسیه، برون‌ریز دغدغه‌های دور شدن از اخلاق و معنویت است. این توجه جدی نه برای تاسیس معنویت و اخلاق بلکه برای حفظ موجودیت معنویت و اخلاق کنونی است. از همین رو یکی از شاخصه‌های فرهنگی جامعه‌ی روسی توجه به معنویت و اخلاق است، به ویژه این توجه در میان روس‌های اصیل و پا به سن گذاشته، بیش از سایر اقشار مشهود است.

مذهب در روسیه

بر اساس قانون اساسی دولت فدراتیو روسیه که از سال ۱۹۹۳ اجرا شد. هر کسی در روسیه می‌توانست آزادانه مذهب و دین خود را برگزیند و از سال ۱۹۹۷ نیز تبلیغ و ترویج آن و ایجاد انجمن‌ها و گروه‌های مذهبی آزاد شد. تمام محدودیت‌های پیشین در زمان امپراطوری روسیه در زمینه مذهب و نشر آن، توسط دولت موقت روسیه در ۲۰ مارس ۱۹۱۷ لغو شد. در زمان اتحاد جماهیر شوروی، شورای امور مذهبی وجود داشت که بر امور انجمن‌ها و تشکیلات مذهبی نظارت داشت، ولی در روسیه یک اداره یا ارگان دولتی فدرال برای این امر وجود ندارد. تنها در سال ۲۰۰۸ در تاتارستان اداره‌ی امور مذهبی تحت نظارت هیأت وزرا شروع به کار کرد.

مسیحیت به طور کلی دارای فرقه‌های متعددی است که سه فرقه‌ی بزرگ و اصلی آن را ارتدوکس، کاتولیک و پروتستان تشکیل می‌دهند و این فرقه‌ها در اعتقادات خود متفاوت هستند. در آغاز به دلیل برخی مسائل اجتماعی و سیاسی، کلیسا به دو بخش ارتدوکس و کاتولیک تقسیم شد. مسیحیان ارتدوکس در واقع به پیروان کلیسای ارتدوکس شرقی گفته می‌شود و به معنای جامعه‌ی مسیحیت سنتی است و کاتولیک در حقیقت کلیسای منشعب شده‌ی غربی است و در اصطلاح دین مسیحی کاتولیک در مورد کلیسای عام و جامع گفته می‌شود. پروتستان هم به معنای اعتراض است و در نتیجه‌ی اعتراض به عملکرد نادرست کلیسای کاتولیک مانند خرید و فروش گناه و بهشت و عفونامه‌ها به مردم ایجاد شد و

در بین همه‌ی معتزین مارتین لوتر قیام کرد و اعلامیه‌ای منتشر کرد که از نظر پیروان کاتولیک مردود بود و در این اعلامیه موارد تازه‌ای از قبیل اینکه: نجات فقط از راه ایمان به دست می‌آید و یا کلیساهای محلی باید از کلیسای روم مستقل باشند، وجود داشت. به طور کلی لوتر معتقد بود که کلیسا باید بر طبق تعالیم کتاب مقدس اصلاح شود و انجام کارهایی مانند فروش بخشش‌نامه‌ها یا فروش مناصب باید متوقف شود. پیروان مسیحیت به تثلیث^۱ معتقدند. پیروان ارتدوکس معتقدند که روح‌القدس ناشی از پدر است ولی کاتولیک‌ها می‌گویند، ناشی از پسر است. از دیگر تفاوت‌های میان کاتولیک و ارتدوکس این است که زبان مقدس نزد ارتدوکس یونانی و نزد کاتولیک لاتین است، بالاترین منصب روحانی ارتدوکس‌ها را پاتریاک می‌نامند و نزد کاتولیک‌ها به او پاپ می‌گویند. روحانیان ارتدوکس بر خلاف روحانیون کاتولیک ازدواج را بر خود حرام نمی‌دانند، همچنین کاتولیک‌ها برزخ، برائت از گمراهی و عدم امکان اشتباه پاپ را قبول دارند، در حالی که ارتدوکس‌ها این را قبول ندارند. کلیساهای ارتدوکس به شکل چهارگوش است و در دو سطح قرار دارد که قسمت بالا به منزله‌ی آسمان و محل اولیای دین و روحانیون است و قسمت پایین به منزله‌ی زمین و محل اجتماع پیروان است ولی در کلیسای کاتولیک چنین ویژگی‌ای وجود ندارد. در کلیسای ارتدوکس تصاویر حضرت عیسی و مریم و دیگر قدیسین نقش بسته است، در حالی که در کلیسای کاتولیک این تصاویر را مقدس نمی‌شمارند. پروتستان‌ها هم که از کاتولیک‌ها جدا شدند با این فرقه تفاوت‌هایی دارند. پروتستان‌ها هم مانند ارتدوکس‌ها ازدواج را بر خود حرام نمی‌دانند و بر خلاف کاتولیک‌ها می‌گویند که مومنان برای ارتباط با خدا نیازی به روحانیون ندارند. اعتراف به گناه نزد پروتستان‌ها واجب نیست. برخلاف کاتولیک‌ها تنها بر اساس تعالیم کتاب مقدس عمل می‌کنند و اساس شریعت از بیانی‌های کلیسا اخذ نمی‌شود. پروتستان‌ها همچنین به برزخ و نیز باکره بودن حضرت مریم اعتقاد ندارند و با قدرت الهی پاپ مخالف‌اند و در امور تشکیلات کلیسا دموکراسی را رعایت می‌کنند.

دولت روسیه مذهب ارتدوکس، اسلام، بودیسم و یهودیت را به رسمیت می‌شناسد. بر اثر انقلاب بلشویکی در سال ۱۹۱۷م، مذهب در روسیه نه تنها از شمار دغدغه‌های دولت خارج شد که حتی مبارزه‌ی جدی بر علیه آن شروع شد. به گونه‌ای که همراه با براندازی تزار، مبارزه‌ی سرسختانه‌ای با کلیسا و اسلام و سایر ادیان آغاز شد. انقلاب بلشویکی توانست تزار را سرنگون سازد، ولی مبارزه‌اش با مذهب ناکام ماند و اگر چه مذهب و مظاهر مذهبی به شدت ضعیف شدند، ولی هرگز به نابودی نگراییدند. از زمانی که کمونیست‌ها، مذهب را «افیون» توده‌ها معرفی کردند و به همین بهانه توانستند آموزش‌های مذهبی را ممنوع

۱. اعتقاد به تثلیث یعنی اعتقاد به پدر، پسر و روح‌القدس.

اعلام کنند تا آن هنگام که به دستور لنین و تروتسکی^۱ کلیه اموال کلیسا و مساجد و معابد مصادره شد و بسیاری از کشیشان و روحانیون مسلمان اعدام شدند و برنامه‌های ۵ ساله برای زدودن دین از صحنه زندگی مردم به رهبری یاروسلافسکی آغاز شد، روزهای سختی برای متدینان به ادیان الهی گذشت، ولی هرگز سیاست دین‌زدایی نتوانست به نتیجه برسد و از همین رو با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تمام مظاهر دینی از حافظه تاریخی مردم به صحنه زندگی بازگردانده شدند و بازیابی و احیای مجدد تشکیلات از بین رفته‌ی مذهبی، به همت متدینان و از همان روزهای آغازین پس از فروپاشی شوروی آغاز شد. مسیحیان در احیای کلیسا کوشیدند و مسلمانان در پی احیای مساجد برآمدند. تشکیلاتی که کلیسای ارتدوکس به احیای آن همت گماشت، در اثر حمایت‌های دولت به سرعت فراگیر شد و توانست برنامه‌های آموزشی خود را آغاز و نسبت به گسترش کلیساها و آموزه‌های دینی اقدام کند و حتی امروز توانسته است در تعامل‌اش با دولت، آموزش‌های کلیسا را به عنوان دروس اختیاری در سطح مدارس روسیه راه‌اندازی کند. در زمان‌های بسیار دور کلیسای ارتدوکس بلغارستان، قبرستان، گرجستان، روسیه، یونان، آلساندیری‌ها در مصر و آنتی‌اوخ در سوریه به طور متحد با یکدیگر عمل می‌کردند. این اتحاد تا به امروز حفظ شده، اما هر یک از این کلیساها به طور مستقل عمل می‌کنند و تنها برای اتخاذ تصمیمات خاص گرد هم جمع شده و از نظرات یکدیگر بهره می‌برند. کلیسای ارتدوکس روسیه، یکی از همین کلیساهای مستقل محلی به شمار می‌رود که از اعتقادات و جامعه مذهبی یکسان و متحد با دیگر کلیساهای محلی ارتدوکس برخوردار است. هدف کلیسا گسترش اعتقادات ارتدوکس در میان افرادی است که در منطقه تحت قوانین کلیسای ارتدوکس روسیه زندگی می‌کنند؛ در روسیه، اوکراین، بلاروس، مولداوی، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، لیتوانی، لتونی، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، استونی و همچنین کشورهایی که داوطلبانه خواهان داشتن چنین کلیسایی بودند. در سال ۱۹۸۸ کلیسای ارتدوکس روسیه ۱۰۰۰ سالگی پذیرش مسیحیت در روسیه را جشن گرفت.

در حال حاضر در خاک روسیه نیز ۲۱۹ صومعه‌ی مردان و ۲۴۰ صومعه‌ی زنان وجود دارد. در مسکو تعداد معابد و کلیساهای کوچک به ۸۵۱ می‌رسد که از میان آنها می‌توان به واحدهای زیرین نظام کلیسا، مهمانسراهای روحانیون، کشیشان و راهبان، کلیساهای جامع به سبک کرملین^۲، کلیسای جامع کافدرال^۳ و بسیاری دیگر اشاره کرد. در کلیسای ارتدوکس

۱. لف داویدوویچ تروتسکی (۱۸۷۹-۱۹۴۰) انقلابی بلشویک و متفکر مارکسیست اهل روسیه بود. در اوایل تشکیل اتحاد شوروی، تروتسکی که چهره‌ای تاثیرگذار و با نفوذ به حساب می‌آمد به عنوان کمیسر خلق برای روابط خارجی انتخاب شد. پس از آن ارتش سرخ شوروی را بنیان گذاشته و خود به فرماندهی آن درآمد. به خاطر کشمکش‌هایی که در دهه‌ی ۱۹۲۰ بر سر قدرت میان تروتسکی و استالین وجود داشت، تروتسکی از حزب کمونیست روسیه اخراج شد و از اتحاد شوروی تبعید شد. او در ۱۹۴۰ در مکزیک توسط عاملان اتحاد شوروی به قتل رسید.

۲. یعنی دارای ستاره پنج گوشه در بالای گنبد.

۳. کلیسای اصلی شهر که در آن مراسم مهم انجام می‌شود.

روسیه همچنین تعدادی آکادمی علوم معنوی، دانشگاه ارتدوکس، انستیتوی الهیات، موسسات آموزش متوسطه الهیات و نیز موسسات عالی الهیات مشغول به فعالیت هستند. ساختار اداره‌ی کلیسای ارتدوکس روسیه بدین صورت است که واحدهای کوچکتر توسط واحدهای بزرگتر کنترل می‌شوند. کلیسای جامع محلی و سینود مقدس زیر نظر اسقف اعظم مسکو، اداره و کنترل کلیساهای کوچکتر را به عهده دارند. کشیشان مسائل داخلی زندگی کلیسا را حل و فصل می‌کنند و اسقف اعظم مسکو و تمام روسیه بر تمام امور نظارت می‌کند. سینود مقدس - که اسقف مسکو و کل روسیه محسوب می‌شود - در حقیقت سازمانی برای اداره‌ی کلیسای ارتدوکس روسیه در دوره‌ی بین کلیساهای جامع ارتدوکس است. اسقف اعظم مسکو و تمام روسیه در میان مقامات روحانی کلیسای ارتدوکس روسیه ارجحیت دارد. وی وظیفه مراقبت از امور مربوط به کلیسای ارتدوکس روسیه را چه در داخل کلیسا و چه در خارج به عهده دارد و با همکاری سینود مقدس این امور را اداره می‌کند. سازمان‌های مجری دستورات اسقف و سینود مقدس را موسسات سینودال می‌نامند. بخش روابط خارجی کلیساها، شورای نشر و انتشارات، کمیته آموزش، بخش تشریح اعتقادات مسیحیت به صورت پاسخ و پرسش (تشریح اعتقادات به صورت کوتاه) و بخش امور جوانان در حیطه‌ی وظایف موسسه‌ی سینودال است.

مسلمانان نیز با تاسیس شورای مفتیان، دانشگاه اسلامی در دو شهر مسکو و غازان، شبکه‌ی تلویزیونی و انتشار نشریات منظم توانستند بخشی از تشکیلات خود را بازسازی کنند. دین و مذهب اکنون به واقعیتی پذیرفته شده در معادلات رسمی تبدیل شده است و دولت مرکزی فدراسیون روسیه می‌کوشد تا در عین تلاش برای مهار افراطی‌گری ناشی از اقدامات متعصبانه، به حفظ تعادل در عرصه‌ی دین بپردازد. اکنون نفوذ و گسترش وهابیت، از نگرانی‌های دولت محسوب می‌شود و بارها به طور رسمی از سوی دولت این نگرانی اعلام شده است. نفوذ وهابیت به روسیه از سوی برخی از دانش‌آموختگان مسلمان این نواحی در عربستان انجام گرفت و دولت روسیه به سرعت پس از شناسایی، اقدامات امنیتی را به منظور جلوگیری از نفوذ بیشتر آن را در دستور کار خود قرار داد. مسئولین دولت فدرال روسیه در روزهای آغازین پس از فروپاشی شاید به دلیل فقدان تجربه در اداره‌ی یک کشور دین‌باور، هرگز بر این باور نبودند که ممکن است آسیب‌های ادیان انحرافی تا به آن حد باشد که روزی ناگزیر شوند در نطق رسمی و از زبان مقام رسمی اعلام کنند که: «بیش از هشتاد سازمان افراط‌گرای بین‌المللی وهابی در روسیه فعالیت دارند. هشتاد درصد اعضای این گروه‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند که مایه‌ی نگرانی است. این سازمان‌ها از وهابیت برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند. تجزیه‌ی روسیه و ایجاد تفرقه‌ی مذهبی در جامعه‌ی این کشور از اهداف این گروه‌ها است».

مردم روسیه عموماً به دنبال آرامش و پرهیز از دغدغه‌های اجتماعی برگرفته از آموزه‌های اعتقادی هستند و اساساً عملگرایی مردم روسیه به آموزه‌های دینی بیشتر متوجه آن بخش از آموزه‌های دینی است که زندگی و آرامش روزانه‌ی آنها به هم نخورد و به نظر نمی‌رسد که وهابیت افراطی‌گرا بتواند گستره‌ی نفوذ خود را در کوتاه مدت در این خطه افزایش دهد، زیرا قواعد و اصول فرقه‌ی وهابیت با بدیهیات اجتماعی بشریت در تضاد و با تفکر در ستیز است و به همین خاطر نمی‌تواند استمرار یابد. البته این نگرش به این معنی نیست که خطر گسترش وهابیت در روسیه و کشورهای آسیای مرکزی نادیده گرفته شود و اکنون دولت روسیه نیز در پس نگرانی‌های خود از نفوذ این فرقه به اقدامات جلوگیری‌کننده روی آورده و با نفوذ جریان‌های افراط‌گرایی در قلمروی خود به سرعت مقابله می‌کند.

به نظر می‌رسد باور گسترش تشیع و آموزه‌های خردپسند آن به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، روس‌ها را به خردپذیر بودن آموزه‌های تشیع مطمئن ساخته است به‌طوری که بارها در ملاقات‌های خود با مسئولین کشورمان به تعادل اسلام شیعی اذعان کرده‌اند و از همین رو اکنون شیعیان که جمعیتی بالغ بر دو میلیون نفر در روسیه هستند، توانسته‌اند از تشکیلات منسجمی در روسیه برخوردار باشند و با ممانعت کمتری در برگزاری مراسم خود روبه‌رو هستند.^۱

۱. برگرفته از مقاله‌ی رویکردها و چالش‌های کلیسای ارتدوکس روسیه (روزنامه‌ی اطلاعات، شماره ۲۴۲۶۷ تاریخ ۲۹ مرداد سال ۱۳۷۸) و نیز مقاله‌ی کلیسای ارتدوکس روسیه؛ ساختار و فعالیت‌های آن برگرفته از سایت آفتاب (انتشار یافته در ۲۳ مهر ۱۳۸۷) به قلم ابودر ابراهیمی ترکمان، رایزن فرهنگی ایران در روسیه.